

موانع بازپیوند اجتماعی کولی‌های محله هرندی تهران

میترا عظیمی^۱، مریم ابراهیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

چکیده

کولی‌های محله هرندی تهران (دروازه غار سابق) از جمله گروه‌های مهاجر به این محله هستند که پس از تخریب منطقه خاک‌سفید در سال ۱۳۷۹ در آن سکنی گزیده‌اند. سبک زندگی مصرفی کولی‌ها، اقتصاد مبتنی بر هادوری با عاملیت زنان و کودکان، سکونت در فرسوده‌ترین و در عین حال جرم‌خیزترین بخش محله، شرایطی فراهم آورده است تا این گروه با طرد شدید اجتماعی از سوی دیگر اهالی محله مواجه شوند. این در حالی است که کولی‌ها نیز به عنوان یک گروه اجتماعی در محله ساکن‌اند و بخشی از هویت محله در آینده از طریق آنها، به‌ویژه فرزندانشان شکل می‌گیرد. این پژوهش با هدف بازشناسی وضعیت کولی‌های ساکن در محله هرندی و فهم زمینه‌های طرد اجتماعی آنها انجام شده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش کیفی بوده و از تحلیل موضوعی داده‌ها بهره گرفته شده است. بدین منظور از طریق نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی با ۲۰ نفر از کولی‌های ساکن در محله و ۱۰ نفر از اهالی غیرکولی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته شده است، که با این تعداد مصاحبه، اشباع اطلاعاتی حاصل شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، مجموعه‌ای از عوامل در سطح فرهنگی، فردی و ساختاری در ایجاد شرایط کولی‌های محله اثرگذارند که از ورود کولی‌ها به حوزه آموزش، اشتغال و قدرت‌یابی برای تغییر شرایط و ایجاد پیوند اجتماعی جلوگیری می‌کنند. بنابراین تقلیل علت طرد اجتماعی کولی‌ها به موضوع عاملیت فردی و بی‌توجهی به عوامل ساختاری، خطایی راهبردی در رفع طرد اجتماعی کولی‌های محله هرندی است.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، پیوند اجتماعی، توسعه محلی، دروازه غار، محله هرندی.

۱. استادیار برنامه‌ریزی اجتماعی، توسعه شهری و منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی:

mtrazimi@gmail.com

۲. دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی؛ پست الکترونیکی: ebrahimi.m95@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

کولی‌ها با تنوع طوایف و ریشه‌های زبانی و فرهنگی از جمله گروه‌های مهاجری هستند که مرزهای هویت جمعی خود را حفظ کرده‌اند و در نقاط مختلف دنیا به لحاظ میزان بهره‌مندی از مزایایی همچون اشتغال، بهداشت و مسکن مناسب با تبعیض‌های چندگانه‌ای روبه‌رو هستند. کولی‌ها علاوه بر منطقه خاورمیانه، در قرن چهاردهم در اروپا نیز حضور پیدا کردند. آنها اغلب با نام جیپسی^۱ خوانده می‌شدند و علت این نام‌گذاری این تصور بوده است که آنها از مصر^۲ به اروپای شرقی مهاجرت کرده‌اند (کنریک^۳، ۲۰۰۷: ۳۸). کولی‌ها تنوع فرهنگی و زبانی بسیاری دارند. بر اساس مکان و زمان مهاجرت و همچنین عامل زبان سه دسته اصلی در میان کولی‌ها وجود دارد نخست، «رُم»^۴ که بیشتر در اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند. دوم، «دُمی»^۵ که در کشورهای خاورمیانه و بیشتر در سوریه، مصر و ترکیه و سوم، «لوم»^۶ که در ارمنستان، ایران و آسیای مرکزی زندگی می‌کنند. این افراد، گروه‌های متجانسی نیستند؛ به طوری که تفاوت‌های شغلی، زبانی و مذهبی در بین آنها دیده می‌شود. در میان این سه گروه، بیشترین تحقیقات بر روی رُم‌ها صورت گرفته و دُمی‌ها و لوم‌ها کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته‌اند (اوزتسلر^۷، ۲۰۱۴: ۲۷).

در ایران کولی‌ها در ۲۰ استان به‌ویژه در مناطق شهری و حاشیه شهرها از شمال تا جنوب از شرق تا غرب پراکنده هستند (افشار، ۱۳۷۷: ۲۲). یکی از کانون‌های اصلی استقرار کولی‌ها در شهر تهران، محله هرنندی واقع در منطقه ۱۲ (دروازه غار سابق) است. از میزان جمعیت کولی‌ها که مردم محله به آنها «غربت» می‌گویند آمار دقیقی در دست نیست، اما برآورد می‌شود حدود صد خانوار از کولی‌ها ساکن محله هرنندی باشند. با توجه به داده‌های مرکز آمار ایران مبنی بر بُعد خانوار پنج‌نفری کولی‌های محله، جمعیت این قشر بیش از پانصد نفر تخمین زده می‌شود. یعنی از جمعیت ۲۴ هزارنفری^۸ محله هرنندی، حدود دو درصد کولی هستند (آمارنامه شهر تهران، ۱۳۹۵).

وضعیت کولی‌ها در محله هرنندی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دارای اهمیت است. به لحاظ اقتصادی کولی‌های محله با سبک زندگی خاص خود انجام اعمالی همچون تکدی‌گری، اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد مانند دستفروشی یا ورود در اقتصاد جنایی مانند خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی و انجام قمار در دور باطل فقر اقتصادی گرفتار آمده‌اند. به لحاظ کالبدی در تمامی

1. Gypsy
2. Egypt
3. Kenrick
4. Rom
5. Dom
6. Lom
7. Ozatesler

8. <http://harandi.mytehran.ir/Default.aspx?tabid=99789> (۱۳۹۷/۳/۲۳) تاریخ مراجعه:

بخش‌های محله به‌ویژه بلوک‌های کولی‌نشین، بافت کالبدی دارای ویژگی‌های فرسودگی یعنی ریزدانگی، مصالح نایمن، دسترسی‌های محدود، زیرساخت‌های نامناسب و پایین بودن سطح بهداشت محیطی است. همچنین تنگی معابر و نفوذناپذیری بافت محله، ضمن ایجاد فضای بی‌دفاع شهری محمل مناسبی برای ایجاد و تداوم بزه فراهم کرده است. به طور کلی، خانه‌های فرسوده و فاقد امکانات اولیه زندگی در محله، مشتریانی به نام کولی‌ها دارد که برخی از آنها نیز توسط کولی‌های قدیمی‌تر محله - با کارکرد اجاره به سایر کولی‌ها - خریداری شده‌اند. بر همین اساس مشتریان خرد مواد مخدر به این بافت بیشتر مراجعه دارند و تجمع مصرف‌کنندگان و کارتن‌خواب‌ها، به‌ویژه در زمین‌های حاصل از تخریب منازل فرسوده، بر افزایش احساس ناامنی در محله دامن زده است. از نظر شرایط اجتماعی، حضور کولی‌ها در بخش‌های پراسیب‌تر محله، زندگی در خانه‌های فرسوده و فاقد امکانات بهداشتی، در کنار سبک خاص ازدواج زودهنگام و تعدد فرزندان، مولد خانواده‌هایی پرجمعیت و آسیب‌پذیر شده است که عملاً امکان ورود به حوزه آموزش و بهره‌مندی از امکانات و آگاهی‌های اولیه بهداشتی را ندارند و در معرض انواع بیماری‌ها و کاستی‌ها قرار گرفته‌اند. فرزندان کولی‌ها به واسطه این شرایط از دیگر کودکان ساکن در محله متمایز هستند و در عمل چرخه‌ای از ناکامی و ناشهروندی را از دوران کودکی تجربه می‌کنند. همچنین زندگی گروهی کولی‌ها، حضور مستمر آنها در فضای محله و عدم رعایت موازین بهداشتی، پوشش نامناسب زنان و کودکان (زنان به سبب شغل تکدی‌گری با لباس‌های مندرس و کودکان بدون پوشش مناسب) نارضایتی همسایگان و عابران غیرکولی را به دنبال داشته است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، در برنامه‌های متعدد توسعه که در این محله به انجام رسیده است، نقش و جایگاه مشخصی برای گروه کولی‌ها در نظر گرفته نشده است. برای مثال، سند «توسعه محله هرندی» که در سال ۱۳۸۷ تدوین شده است، حساسیت مشخصی درباره کولی‌های ساکن در محله و خصیصه‌های فرهنگی آنان نداشته است. سند دیگری با عنوان «طرح توسعه و سامان‌دهی فضای شهری محله هرندی» که در سال ۱۳۹۰ تدوین شده است نیز بدون توجه به زیست جمعی کولی‌ها و زندگی آنها در بافت فرسوده، اصلاحات کالبدی کلی را پیشنهاد داده است (گزارش مرحله اول طرح توسعه و سامان‌دهی فضای شهری محله هرندی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، خصیصه‌ها و تفاوت‌های فرهنگی زیست کولی‌ها عملاً نادیده گرفته شده است. به همین دلیل، در طی زمان نه‌تنها شرایط زیست آنها رو به بهبود نگذاشته است، بلکه روزبه‌روز بیشتر منزوی شده‌اند. در این شرایط، خانوارهای کولی از بسیاری خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی محروم باقی می‌مانند و در عمل روند توسعه نمی‌شوند؛ بنابراین استقرار این گروه ۵۰۰ نفره با ویژگی فرزندآوری بالا در محله هرندی، موجب شکل‌گیری نسل‌های جدیدی می‌شود که با شدت بیشتری در تله فقر و طرد اجتماعی گرفتار می‌آیند و این امر می‌تواند در سال‌های آتی مولد بروز انواع آسیب‌ها و

اشاعه آن در سطح محله باشد. در راستای مسائل مطرح شده، این پژوهش با اتخاذ رویکرد مردم‌نگاری انتقادی در پی پاسخ به این سوالات است: ۱. وضعیت کولی‌های ساکن در محله هرنندی به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی و کالبدی چگونه است؟ ۲. دلایل ایجاد طرد اجتماعی شدید نسبت به گروه کولی‌های محله هرنندی چیست؟ در انتها بر اساس پاسخ‌های به دست آمده سیاست‌های پیشنهادی در جهت کاهش طرد اجتماعی کولی‌ها ارائه می‌شود.

پیشینه تجربی

پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی طی سه دهه اخیر در حوزه مطروودیت اجتماعی گروه‌های خاص از قبیل کولی‌ها در کشور مطالعه کرده‌اند که از بین مطالعات، می‌توان به مطالعه‌های افشار (۱۳۷۷)، اسفاری (۱۳۹۵)، صفی‌خانی (۱۳۹۵) و پروین و درویشی‌فرد (۱۳۹۴) اشاره کرد. به طور کلی مطالعات این حوزه را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: مطالعات عوامل‌نگر مانند مطالعه‌های صفی‌خانی (۱۳۹۵)، اسفاری (۱۳۹۵)، پروین و درویشی‌فرد (۱۳۹۴)؛ مطالعات پیام‌نگر مانند مطالعه نامنی و همکاران (۱۳۹۶) و همچنین مطالعات سیاست‌گذارانه مانند تحقیقات کرولی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) و لن و جونز^۲ (۲۰۱۴).

درباره کولی‌های محله هرنندی، تحقیقات محدودی انجام شده است. صفی‌خانی (۱۳۹۵)، روایت‌هایی از کولی بودن و نحوه حضور اجتماع کولی‌ها در شهر تهران را بررسی کرده است. او مکررترین و عمده‌ترین تعاملات کولی‌ها با محیط اجتماعی پیرامون خود را شامل چهار چرخه گدایی - مصرف - اعتیاد - پستی، زندان - آزادی و روابط ناپایدار جنسی در پرتو مفهوم آستانگی توضیح می‌دهد. اسفاری (۱۳۹۵)، بر اهمیت هادوری به عنوان آیین گذار به بزرگسالی نزد کولی‌ها اشاره می‌کند. هادوری به معنای گدایی با سماجت است که به عنوان فعالیت روزمره در چهارراه‌ها دیده می‌شود و از درون نظام ارزشی و فرهنگی جامعه اکثریتی می‌جوشد. پروین و درویشی‌فرد (۱۳۹۴)، درباره خرده‌فرهنگ فقر، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را به کولی‌ها نسبت می‌دهند. برخی از این ویژگی‌ها شامل فقدان فرهنگ کار، ارزشمندی فقر، هیجان‌خواهی و لذت‌جویی و بی‌توجهی به قانون است. نامنی و همکاران (۱۳۹۶) بر پیامدهای طرد اجتماعی کولی‌ها در امنیت سایر ساکنین اشاره می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هرچه افراد یا گروه‌های خاص اجتماعی بیشتر طرد شوند و در انزوا قرار گیرند، امنیت اجتماعی افراد جامعه را به همان نسبت به خطر می‌اندازند.

کرولی و همکاران (۲۰۱۳)، اظهار می‌دارند رُمایی^۳ها یا همان کولی‌ها با زبان، فرهنگ، نگرش‌های دینی، شیوه‌های سکونت و وضعیت قانونی متفاوتی در اروپا زندگی می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مسائل

1. Crowley
2. Lane & Jones
3 Roma

آنان این است که ۹۰ درصدشان در فقر و طرد اجتماعی^۱ به سر می‌برند. این وضعیت در مورد زنان کولی بدتر است. از سال ۲۰۰۹ سیاست‌هایی برای رفع طرد اجتماعی آنان مطرح شده است. در سال ۲۰۱۱ کمیسیون اروپا، چارچوبی با عنوان «استراتژی‌های ملی ادغام رُماها»^۲ تدوین کرده است که تمامی اعضای اتحادیه آن را پذیرفتند.

لن و جونز (۲۰۱۴)، مطالعه‌ای را در بریتانیا انجام داده‌اند که نشان می‌دهد، کولی‌ها یا رُماها با کمبود فرصت‌های اشتغال مواجه هستند و یا اینکه در مشاغل با درآمد پایین‌تر از حداقل دستمزد مشغول به کارند. امید به زندگی کولی‌ها نیز ۱۰ تا ۱۲ سال کمتر از دیگران در انگلستان است. لن و جونز معتقدند، برخی از حوزه‌های مهم سیاست‌گذاری همچون آموزش، بهداشت و اشتغال در رفع تبعیض‌های موجود در زندگی کولی‌ها مؤثر هستند؛ برای مثال، در بریتانیا برنامه‌هایی برای جذب کولی‌ها در سیستم آموزشی پیاده شده است. در شهر ولز، کمک‌هزینه‌های سالانه برای تحصیل کودکان کولی در نظر گرفته شده است. در حوزه اشتغال نیز برنامه‌های مهارت‌آموزی ویژه‌ای تدوین شده است. چنان‌که تحقیقات نشان می‌دهد در این کشورها عوامل ساختاری را علاوه بر عاملیت در تحلیل شرایط کولی‌ها در نظر گرفته‌اند.

ملاحظه می‌شود که اغلب مطالعات انجام‌شده درباره کولی‌ها، بر خصیصه‌های آنها و اهمیت فرد در وضعیت زندگی‌اش تأکید زیادی داشته‌اند؛ در حالی که تداوم روند محرومیت کولی‌ها در محله نشان‌دهنده عوامل پیچیده‌تری است که مقاله حاضر به بررسی این عوامل می‌پردازد. در واقع در تحقیقات انجام‌شده توجه به عوامل ساختاری و زمینه‌های تداوم‌بخش وضعیت کولی‌ها نادیده انگاشته شده است؛ همچنین اغلب مطالعات بر فقدان عاملیت آنان تأکید دارند؛ در حالی که امکان عاملیت، در بررسی موضوع کولی‌ها اهمیت محوری دارد و این تحقیق نیز بدان توجه دارد؛ زیرا میزان و امکان برخورداری جمعیت کولی‌ها از حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی همچون آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی در تغییر وضعیت کولی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

ملاحظات مفهومی

با توجه به رویکرد کیفی‌ای که در این مطالعه استفاده شده است، در ادامه جهت ایجاد حساسیت نظری، مفاهیم مرتبط با مسئله مرور خواهند شد. یکی از مفاهیم کاربردی در سیاست‌گذاری اجتماعی سازه «طرد اجتماعی» است که مفهومی پویا و چندبُعدی است و تئوری‌سازی گسترده‌ای درباره آن صورت گرفته است. طرد اجتماعی بر حسب مؤلفه‌های مشارکت، حقوق شهروندی، دسترسی به فرصت‌ها، قدرت و شبکه

1. Social Exclusion
2. National Roma Inclusion Strategies

اجتماعی ضعیف، تعریف می‌شود. از منظر مشارکت، طرد اجتماعی به فرایندهای نهادی و جامعه‌ای اشاره دارد که برخی گروه‌ها را از مشارکت کامل در زندگی اجتماعی طرد می‌کند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۷). طرد اجتماعی ارتباط نزدیکی با ایده شهروندی دارد و نداشتن منزلت شهروندی فی‌نفسه نوعی از طرد است. از نظر دسترسی به فرصت‌ها، افراد مطرود به‌سختی قادر به کسب فرصت‌ها برای بهبود شرایط خود و در نتیجه با نوعی بی‌قدرتی درگیر هستند. به عبارت دیگر، طرد اجتماعی به عنوان بی‌قدرتی و فقدان توانمندی در سطح فردی یا به عنوان مانع ساختاری در سطح اجتماعی تعریف می‌شود که مانع دسترسی برخی گروه‌ها به منابع مرتبط با حقوق شهروندی می‌شود (همان: ۲۸). این شرایط افراد را از شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی که نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود وضعیت افراد دارند محروم می‌کند.

ویسلز و میدما^۱ (۲۰۰۲) در بیان فضای مفهومی و تبیین مطرودیت اجتماعی از ابعاد فرایندی، پیامدی و هنجاری مربوط به این سازه بهره می‌جویند. از دیدگاه آنها برای مطرودیت اجتماعی می‌توان دو دسته دلیل را در نظر گرفت: نخست، دلایل ناظر بر فرایندها و دوم، دلایل ناظر بر پیامدها. این دو، مفهوم «تعلق» را به عنوان عامل اصلی فرایندها و «ترکیبات مناسب منابع» را به عنوان عامل محوری پیامدها معرفی می‌کنند. آنها همچنین سه دسته علل را پیرامون مفهوم اعتماد مطرح می‌کنند که مطرودیت اجتماعی را به یکپارچگی اجتماعی پیوند می‌دهد. به طور ضمنی در این رویکرد، این مسئله وجود دارد که مطرودیت اجتماعی خود دارای یک بُعد سوم هنجاری هم در فرایند و هم در پیامد است. بر اساس نظر این دو، اگر یک نارسایی بنیادی در تعلق، اعتماد یا دسترسی به ترکیب مناسبی از منابع به وجود آید، آن‌گاه مطرودیت اجتماعی رخ خواهد داد. ویسلز و میدما (۲۰۰۲) سه سطح تحلیلی نیز برای هر یک از این ابعاد شناسایی می‌کنند که از سطح فردی آغاز می‌شود، سپس به ناحیه، گروه یا شبکه که همان جامعه یا جهان زیست است و در نهایت به سطح ساختاری و اجتماعی می‌رسد (غفاری و امید، ۱۳۸۹). گیدنز^۲ درباره طرد اجتماعی یکی از حادترین مثال‌های این پدیده را برای کسانی که فاقد محل دائمی برای سکونت هستند مطرح می‌کند. در واقع افرادی که محل سکونت مشخص و ثابتی ندارند عملاً از بسیاری از امکانات که نیازمند محل سکونت ثابت و مشخص است دور می‌مانند. از نظر گیدنز طرد ممکن است ابعاد مکانی داشته باشد و برخی محله‌ها از نظر امنیت، شرایط دسترسی، خدمات و تسهیلات عمومی می‌توانند متفاوت باشند (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۴۶۹)؛ بنابراین عوامل متعددی در ایجاد طرد اجتماعی وجود دارد؛ به‌ویژه در گروه‌هایی همچون کولی‌ها و در محلاتی مانند محله هرندی که درگیر انواع آسیب‌هاست.

مفهوم دیگری که در کنار سازه طرد اجتماعی در بررسی وضعیت کولی‌های محله کمک‌کننده است، «سیاست‌فرهنگی» است. محله مورد بررسی دارای تنوع فرهنگی بالایی است و قومیت‌ها و گروه-

1. Wessels & Miedema

2. Giddens

های مختلف ایرانی و غیرایرانی در محله حضور دارند. سیدانیوس و پتروچیک^۱ (۲۰۰۰)، چهار نوع سیاست قومی در جوامع چندفرهنگی را معرفی می‌کنند. مدل اول همانندسازی^۲ است که در این الگو از افراد انتظار می‌رود خود را با زبان، لباس، هنجارها و عقاید و احساس تعلق فرهنگ مسلط منطبق کنند. بر این اساس یک فرهنگ بهنجار تعریف و هرگونه تفاوت با این فرهنگ انحراف تلقی می‌شود. در مدل دیگ ذوب^۳، برخلاف وضعیت قبلی همه مهاجران سرمایه‌های با ارزشی جهت ارائه به فرهنگ مسلط دارند. در الگوی سوم یا مدل تکثرگرا^۴ تفاوت‌های مذهبی، قومی و نژادی مجاز شمرده شده و حتی ترویج می‌شوند تا به عنوان هویت‌های اجتماعی مهم و باارزش باقی بمانند. پیش‌فرض این مدل وجود یک احساس مشترک در خرده‌فرهنگ‌های مختلف نسبت به جامعه بزرگ‌تر است. در مدل چهارم یا گروه مسلط^۵، تمایل به سازمان‌دهی جامعه بر اساس سلسله‌مراتب گروهی وجود دارد. گروه‌های مسلط از ارزش‌های مثبت اجتماعی چون قدرت، منزلت و امتیازات برخوردار می‌شوند و گروه‌های تابع مجبور به پذیرش ارزش‌های اجتماعی منفی مانند، فقر در سلامتی و تحصیل می‌شوند. به نظر می‌رسد عوامل چندگانه‌ای از عوامل فرهنگی، ساختاری و سیاست‌گذاری در وضعیت کولی‌های محله دخیل باشند که بر نوع پیوندهای اجتماعی آنان نیز اثرگذار هستند. به نظر می‌رسد نوع سیاست فرهنگی موجود بر امکان شکل‌گیری چنین پیوندهایی نیز اثر داشته است.

روش تحقیق

روش مطالعه این تحقیق از نوع کیفی و مردم‌نگاری انتقادی بوده و تحلیل اطلاعات به صورت موضوعی صورت گرفته است. مردم‌نگاری انتقادی به مباحث مربوط به قدرت و سلطه وارد می‌شود و با تحلیل این عوامل شرایط بهتر شدن و موانع بهبود وضعیت را بررسی می‌کند. به گفته مدیسن^۶ (۲۰۱۲: ۶) مردم‌نگاری انتقادی با مسئولیت اخلاقی برای رسیدگی به روند بی‌عدالتی در یک حوزه زندگی خاص آغاز می‌شود. بر اساس این روش، در مرحله اول با استفاده از مشاهده مشارکتی و تجربه زیسته محقق، اطلاعات اولیه از وضعیت کولی‌ها در محله و رویکرد سایرین به آنها جمع‌آوری و کدگذاری شد و در مرحله بعد مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نمونه‌های تحقیق انجام شد. جهت انتخاب نمونه‌های تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شده است. در انتخاب نمونه‌هایی از جامعه کولی‌ها به دلیل فقدان سوژگی، عاملی همچون امکان برقراری تعامل وجه غالب دارد. تمایل مصاحبه‌شونده به انجام مصاحبه

1. Sidanius& Petrocik

2. Assimilation Model

3. Melting Pot

4. Pluralism model

5. Dominant Group Model

6. Madison

تعیین‌کننده بوده است؛ بنابراین بخشی از مصاحبه‌شوندگان از جمعیت کولی‌ها، افرادی بودند که در میان کولی‌های محله شناخته شده بودند و از این طریق امکان تعامل بیشتر با جمعیت کولی‌ها (زنان و مردان) فراهم شد. روش دیگر ورود به جمعیت کولی‌های محله از طریق یکی از ساکنان محله بود که روابط دوستانه با کولی‌های ساکن در محله داشت و از این طریق امکان مصاحبه با بخشی از مصاحبه‌شوندگان موردنظر تحقیق فراهم شد؛ بنابراین، مصاحبه‌شوندگان آگاهانه در مصاحبه‌ها شرکت داشتند. به علاوه تلاش شده است جنسیت و رده‌های مختلف سنی در انتخاب مصاحبه‌شوندگان لحاظ شود تا گروه‌های سنی و جنسی مختلف نیز دیده شوند. داده‌های جمع‌آوری‌شده با روش تحلیل موضوعی، تحلیل شد. از آنجایی که هدف تحقیق، شناسایی موانع بازپیوند اجتماعی کولی‌هاست، جهت درک بهتر موضوع با ساکنین غیرکولی محله نیز مصاحبه انجام شد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های این محله که در مراجعات اولیه از سوی ساکنین غیرکولی به عنوان یک مسئله مطرح شد، سکونت جمعیت کولی‌ها در میان آنها بود، بنابراین شناخت پیش‌فرض‌ها و دلایل این نگرش می‌تواند به درک موانع پیوند اجتماعی کولی‌ها کمک کند. در انتخاب نمونه‌هایی از جمعیت غیرکولی جهت انجام مصاحبه، گروه‌های مختلف قومیتی و فرهنگی حضور داشته‌اند. در انتخاب این نمونه‌ها، قومیت و حضور بیشتر در فضای محله و تمایل به انجام مصاحبه، تعیین‌کننده بوده است.

تکنیک‌های گردآوری داده‌ها مشتمل بر مشاهده مشارکتی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و کدگذاری اطلاعات است. تردها و تعاملات مستمر با اهالی محله به شکل‌گیری برداشت‌های میدانی انجامید. با توجه به آنکه در تحلیل موضوعی نسخه‌های متعددی وجود دارد، دیوی و گیلین^۱ (۲۰۰۵) نسخه‌ای خاص جهت انجام مطالعات میدانی ارائه داده‌اند که شامل چهار مرحله است: نخست، درگیری در تفکر قیاسی - استقرایی به طور هم‌زمان. در این مرحله محقق روی یک پیوستار امیک^۲ (نگاه از درون میدان - متن) و اتیک^۳ (نگاه از بیرون میدان - متن) حرکت می‌کند. در مرحله دوم، ساخت و تدوین مقوله‌ها و در گام سوم، گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع صورت می‌گیرد و در گام آخر کشف معانی و تم‌های زیرین انجام می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۸). به عبارت دیگر تم‌های اصلی در جریانی از استقرا و قیاس کشف و تعریف می‌شوند و به سطح انتزاع می‌رسند. در این مطالعه، محقق در یک پیوستار امیک و اتیک از طریق ورود به فضای فرهنگی زندگی کولی‌ها و طی ارتباط مداوم و نزدیک با موضوع مطالعه، تجربه زیسته آنان را بررسی کرده - است. مصاحبه‌ها با پروتکل از پیش طراحی‌شده آغاز شد؛ اما به دلیل ماهیت موضوع و از آنجایی که به صورت نیمه‌ساختاریافته بود در طی مصاحبه جریان سیال گفت‌وگو میان محقق و مصاحبه‌شوندگان وجود داشت. به منظور پرهیز از ایجاد حساسیت در جامعه موردبررسی، یادداشت‌برداری در صحنه انجام نشد و

1. Depoy and Gitlin
2. Emic insider perspective
3. Etic outsider perspective

بلافاصله بعد از مصاحبه نکات ثبت شد. زمان گفت‌وگو بین ۱۵ دقیقه تا ۳۰ دقیقه متغیر بود و در مواردی که مصاحبه‌شونده آگاهی از تحقیق و فرایند انجام آن داشت با اطلاع مصاحبه‌شونده مکالمات ضبط شد. درباره اطلاعات توصیفی پیرامون جمعیت مصاحبه‌شونده باید گفت در مجموع با ۱۱ زن کولی (۵ تا ۶۰ساله) و ۹ مرد کولی (۱۷ تا ۴۰ساله) مصاحبه شد. همچنین از میان جمعیت غیرکولی محله با ۷ مرد (۱۸ تا ۶۰ساله) و ۳ زن (۳۰ تا ۶۰ساله) مصاحبه شد.

یافته‌ها

مفاهیمی که وضعیت کولی‌های محله و دلایل طرد اجتماعی آنها را نشان می‌دهد، طی فرایند تحلیل به مفاهیم انتزاعی و مقولات اصلی تبدیل شدند که یافته‌ها در قالب جدول شماره ۱ چگونگی رسیدن به مقولات اصلی و فرعی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقولات برآمده از تحلیل داده‌ها

مفاهیم	مقولات فرعی	مقولات اصلی
خانواده گسترده و جمعی / عدم امکان آپارتمان‌نشینی / ارزان بودن مکان / برتری اتاق‌نشینی بر حلیه‌آبادنشینی. کارکرد درآمدزایی فضا و اهمیت مبدأ اجبار به جابه‌جایی، فرسودگی محل اجاره‌شده و شکایت همسایگان.	اتاق‌نشینی زیست موقت	زیست کالبدی متمایز
تمکن مالی جدید، درآمدزایی خانه‌های فرسوده و امکان تلاوم‌بخشی به وضعیت موجود. بی‌سوادی به دلایل فرهنگی (فرهنگ مهاجرت و اقامت نامنظم، ازدواج زودهنگام، عدم کارکرد عملی آموزش در تغییر زیست کولی، کار کودک، فقر آگاهی) و ساختاری (ساختار آموزشی نامناسب با فرهنگ کولی و فقدان اوراق هویت). سلسله‌مراتب قدرت، سرمایه اجتماعی درون گروهی بالا و برون‌گروهی پایین، اهمیت تبادل (مادی، عاطفی).	قدرت‌یابی جدید (کولی در نقش صاحب‌خانه) محرومیت از آموزش (فرهنگی، ساختاری)	طرد اجتماعی ناشی از ساختارهای فرهنگی
فقدان اوراق هویت، فقدان بهره‌مندی از ساختارهای حمایتی و مساعدتی.	نفوذناپذیری و جدایی‌گزینی مشکلات شهروندی از منظر حقوقی	طرد اجتماعی به مثابه نفوذناپذیری و جدایی‌گزینی دوسویه رسمیت‌نیافتگی دوسویه
به واسطه ناشناختگی زبان، محرومیت از پوشش بهنجار، سبک زندگی جمعی و بلاگردان‌ها. تهران محل کسب درآمد، محله ارزان و متناسب با سبک زندگی جمعی.	بازی تسلط احساس عدم تعلق	
فقدان مهارت، فقدان اوراق هویت و نبود امکان ورود به اقتصاد رسمی، خانواده واحد اقتصادی (مردان در نقش مدیر تقدینگی، زنان کاسب و کودکان، همراه کاسب)، زنان و کودکان در اقتصاد غیررسمی، تنها کارکرد شغل، درآمدزایی.	انسداد ورود به اقتصاد رسمی و بهنجار بازتعریف نقش‌های جنسیتی	حاشیه‌ای شدن اقتصادی

زیست کالبدی متمایز

غربت‌های محله به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: یک دسته غربت‌های قدیمی که طبق اظهارات ساکنین از آذربایجان غربی به این محل آمده‌اند. این گروه از منظر شباهت به نوع پوشش بهنجار محله و ساختار خانوادگی، هم‌خوانی بیشتری با وضعیت عام محله دارند و درجهٔ ضعیف‌تری از طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند؛ اما در رابطه با غربت‌های جدید محله باید گفت، از شهرهای بابل، قائم‌شهر و ساری به این محله آمده‌اند. سبک زندگی آنان مبتنی بر کشاورزی در شمال و مهاجرت فصلی به تهران است. این گروه از طایفه‌های مختلفی تشکیل شده‌اند و خود را یک قومیت می‌دانند. خرده‌فرهنگ‌های میان طایفه‌ها متفاوت است، اما از سوی ساکنین محله به یک نام یعنی «غربتی‌ها» خوانده می‌شوند. روابط خویشاوندی میان این گروه اهمیت بالایی دارد و نوع ازدواج‌ها کاملاً درون‌گروهی است. همچنین ازدواج نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتباطات میان طایفه‌ای دارد. گرچه سفرهای متعددی میان تهران و مبدأ انجام می‌شود، اما نظم سفرها میان غربت‌های شهرهای مختلف متفاوت است؛ به گونه‌ای که تعلقات خانوادگی و مالکیت زمین در مبدأ، در تعدد سفرها تعیین‌کننده است.

کولی‌های محلهٔ هرنندی خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی از نوع بهنجار فرهنگی غالب در محله دارند که آنها را از دیگر قومیت‌ها و ساکنین محله جدا می‌کند. ساختار اقتصادی، خانوادگی و زیست کودکی متفاوت، به لحاظ ارزشی جایگاه دوگانه‌ای در میان کولی‌ها و سایر ساکنین محله ایجاد کرده است. صفی‌خانی (۱۳۹۵) اظهار می‌دارد، از کولی دو تیپ ایده‌آل ساخته شده است. نوع اول «تصویر رمانتیک» از کولی است که در این تیپ ایده‌آل، کولی‌ها مردمانی رها و آزاد در نظر گرفته می‌شوند که هنوز تحت سیطره زندگی مدرن و الزامات شهرنشینی قرار نگرفته‌اند. تیپ ایده‌آل دوم، آنان را به عنوان بزهداران در نظر می‌گیرد که یا دزدند یا قاچاقچی و وجودشان برای زندگی جمعی نوعی آسیب تلقی می‌شود. در هر دو تعبیر، زیستن در فضای مدرن و بهنجار شهری دور از انتظار است. اما واقعیت این است که کولی‌ها به سبب ناشهروندی از ابزارهای کسب مالکیت به‌دور مانده‌اند. به تعبیر مرد کولی (۳۵ساله و کشاورز) «۹۰ درصد ما در حلی/آبادها زندگی می‌کردیم و همین اتاق‌های محله نسبت به زندگی قبلی خیلی تغییر زیادیه»؛ بنابراین زیستن در اتاق‌ها و بافت فرسودهٔ محله نوعی تغییر مثبت قلمداد می‌شود. کولی‌های منطقه بیشتر در ساختمان‌های قدیمی محله ساکن هستند. این ساختمان‌ها اغلب، بیش از ۵۰ سال قدمت دارند و عملاً فرسوده و یا در حال تخریب هستند.

۱. اسفاری (۱۳۹۴) دربارهٔ کولی‌ها از دو واژهٔ غربت برای توصیف وضعیت کولی‌ها در محله و قربت، برای توصیف آنان در مبدأ استفاده می‌کند و معتقد است واژهٔ غربت حتی اگر از جانب دیگران به آن‌ها اطلاق شده باشد، توسط خود گروه بازتعریف شده و با توجه به نحوهٔ زیستنشان، آن را با یک بازی زبانی از آن خود کرده‌اند.

کولی‌های محله اقامت‌های کوتاه‌مدتی را در خانه‌ها دارند. بخشی از علل مربوط به اقامت‌های موقت مربوط به جمعیت بالای کولی‌های طایفه مهاجر است. به عبارتی به دلیل مواجهه جمعی با شرایط جدید، با شکایت‌هایی از جانب اهالی مواجه می‌شوند و در برخی مواقع نیز به امید یافتن سکونتگاه بهتر تعویض منزل صورت می‌گیرد. به گفته یک زن کولی (۵۰ساله و بیکار، ساکن در محله به همراه عروس و پسرش) «صاحبخانه دو ماهه گفته آب‌گرمکن رو درست می‌کنه، ولی چون ما غربتیم به ما توجه نمی‌کنن، ما هم می‌ریم به جای دیگه»؛ بنابراین کولی‌های محله عملاً امکان سکونت در مکان ثابت را ندارند مگر در صورت خرید ملک. بخشی از این موضوع خودخواسته است به عبارتی خرید ملک در شمال و در مبدأ صورت می‌گیرد. اما بخش دیگر ناخواسته است و خانواده کولی امکان خرید ملک را نه در محله و نه در مبدأ نمی‌یابند. به گفته زن کولی (۵۰ساله و بیکار، ساکن در محله به همراه عروس و پسرش) «ما پولی نداریم که شمال ملک بخریم. پدرم ندانسته اگه داشتیم که خوب بود، هرچی درمی‌آریم خرج خودمون هم نمی‌شه. من که نمی‌تونم کار کنم عروس و پسرم کار می‌کنند که خرج خورد خوراک هم در نمی‌آد».

سبک زندگی اتاق‌نشینی موجب شکل‌گیری نقش‌های دیگری برای کولی‌های محله شده است. «صاحبخانه‌های کولی» که در تداوم شیوه زیست کالبدی کولی‌ها مؤثرند، از طرفی تعامل کولی و غیرکولی را محدود و کنترل می‌کنند. به عبارت دیگر، قدرت گرفتن برخی از کولی‌ها به واسطه نقش صاحبخانه نوعی کنترل بر تعاملات کولی و غیرکولی ایجاد کرده است. زن جوان کولی (۱۷ساله و دستفروش) می‌گوید: «از اینجا برین، صاحبخانه نمی‌ذاره با غریبه حرف بزنیم»، دیگر زن کولی (۴۵ساله و متکدی) چنین می‌گوید: «اگه بفهمه (صاحبخانه) با غریبه‌ای حرف زدم به شوهرم می‌گه، کتک می‌خورم». سهم داشتن کولی‌ها در مالکیت محله امکان تغییر بافت فرسوده و نوسازی آن را با موانعی روبه‌رو می‌کند. حضور کولی‌ها در بافت فرسوده محله این پیش‌فرض را برای مراجعین ایجاد کرده است که کولی‌ها همگی عامل بروز آسیب در محله‌اند و این امر کولی‌ها را در معرض آسیب بیشتر قرار داده است. مراجعه مشتریان مواد مخدر و انواع فحشا به این بافت، ظن ساکنین به درگیری کولی‌ها در این نوع آسیب‌ها را افزایش داده است.

طرد اجتماعی ناشی از ساختارهای فرهنگی

از میان مصاحبه‌شوندگان تنها دو مرد دارای تحصیلات ابتدایی و دو زن دارای تحصیلات راهنمایی بودند. با اینکه آموزش جهت تغییر شرایط زیست کولی‌ها اهمیت دارد، فرایند آموزش در وضعیت کنونی با موانع چندگانه‌ای مواجه است. روند یکسان‌انگارانه مدیریت فرهنگی محله سیستم یکسان آموزشی را برای ساکنین در نظر دارد؛ در حالی که آموزش و دسترسی به حداقل سطوح آموزش عمومی، پیش‌نیاز کسب

منابع و ورود به فضای رسمی اشتغال است. کولی‌ها با دو نوع مانع در سطح فرهنگی و ساختاری مواجه هستند: در سطح فرهنگی، نگرش کولی به آموزش، سبک زندگی موقت و سفرهای مکرر تعیین‌کننده - است. مرد کولی (۲۲ساله و فروشنده آب معدنی در چهارراه) درباره تحصیل فرزندانش معتقد است: «من با درس خواندن بچه‌ها مشکل ندارم، ولی باید بتونن خرجشون رو دربیارند و کاسبی یاد بگیرند. اگر بخوان هم کاسبی کنن و هم درس بخونن مشکلی نیست». کار کودک علاوه بر تأمین نیازهای خود، به نوعی کسب مهارت جهت زندگی و تنها استراتژی مقبول کولی برای زیستن در شرایط موجود است. مرد جوان کولی (۲۲ساله و فروشنده آب معدنی در چهارراه) می‌گوید: «ها اگر از بچگی کاسبی رو یاد نگیریم چطوری زندگی کنیم؟ کاری بلد نیستیم». علاوه بر نگرش کولی‌ها به کارکرد آموزش، اقامت‌های موقت و سفرهای بدون برنامه و بی‌توجه به ساختار و قواعد آموزش در تداوم امکان آموزش کودک کولی اثرگذار است. مرد کولی (۳۵ساله و کشاورز) با انتقاد به هم‌کیشان خود معتقد است: «بچه تا می‌خواد به مدرسه عادت کنه، پدر و مادر می‌برنش شمال. ممکنه دو هفته سه هفته برنگردند، خب اگه مدرسه هم بگذاره، این بچه از بقیه عقب می‌افته، اینها تو خونه با بچه فارسی حرف نمی‌زنن برای بچه ساخته محیط مدرسه، نه خوب می‌تونه حرف بزنه نه مرتب می‌تونه مدرسه بره».

به لحاظ سطح سواد، دلایل مختلفی موجب شده است تا بی‌سوادی و کم‌سوادی در میان کولی‌ها رواج داشته باشد؛ برای نمونه، ازدواج در کودکی و به عبارتی «ازدواج زودهنگام» از جمله موانع ورود به فضای آموزشی است. پسران اغلب در کمتر از ۲۰ سال و دختران از ۱۳سالگی به بعد وارد فرایند ازدواج می‌شوند و بلافاصله پس از ازدواج، فرزندآوری‌های مکرر صورت می‌گیرد. وظیفه کسب معاش به زنان واگذار می‌شود، به عبارتی «با انگشتر زدن» و بعد از مراسم عقد (ازدواج ثبت‌شده و یا صیغه ثبت‌نشده که در طایفه‌های مختلف و بر مبنای سن ازدواج متفاوت است) «زن و فرزندان» در «کاسبی» نقش پررنگی می‌یابند. در نتیجه ازدواج و فرزندآوری زودهنگام، عدم امکان حضور در فضاهای آموزشی و مهارتی تکرار می‌شود؛ به گونه‌ای که به بیان مرد کولی (۲۴ساله و نوازنده) «ها نمی‌تونیم درس بخونیم، بچه‌ها درگیر کار می‌شن خیلی آدم بتونه درس بخونه پنج کلاسه».

در سطح ساختاری «فقدان اوراق هویت» و «طرده در فضای آموزشی از سوی گروه‌های مسلط» بر ورود و تداوم فرایند آموزش کولی‌ها اثرگذار است. به گونه‌ای که «ناآگاهی» از امکان ورود کودک به مدرسه با وجود فقدان اوراق هویت به صورت گسترده‌ای وجود دارد. زن کولی (۱۷ساله و دستفروش) با اذعان به بی‌اطلاعی از امکان ورود کودکش به مدرسه می‌گوید: «بچه‌ها سناسنامه ندارن؛ چون باباشون هم سناسنامه نداشته»، زن کولی (۵۰ساله و بیکار، ساکن در محله به همراه عروس و پسرش): «هوهام هم سناسنامه ندارن. شوهرم معتاد بوده. وقتی بود که هرچی درمی‌آوردم خرجش می‌شد. بعد هم که رفت و

می‌گن کارتن خواب شده، خیلی وقته ازش بی‌خبریم شاید اصلاً مرده باشه. جوان‌های قدیم معتاد بودن الان مشروب می‌خورن، پول کار زنشون رو خرج می‌کنن».

مسئله حضور کولی‌ها در مدارس در کنار دیگر قومیت‌ها، با مخالفت‌های زیادی مواجه است. حاکمیت این فضا در مدارس محله، انگیزه ادامه تحصیل در کودکان کولی را به شدت کاهش داده است. به بیان یکی از ساکنین (زن ۳۰ساله و خانه‌دار): «بچه‌هام رو تو مدرسه محله ثبت‌نام نکردم. اینجا بچه‌های کولی-ها هستن. این بچه‌ها خیلی شرورند، حرف‌های ناجور می‌زنند، چون از بچگی تو کار بودن و خشونت دیدند دوست ندارم تو یک مدرسه با بچه من باشن».

شکل زندگی موقت، اقامت‌های نامنظم، زندگی در فضای اتاق‌نشینی به صورت جمعی، کار نوبتی مادر خانواده و به همراه فرزندان، زمینه‌ای را فراهم کرده است که عملاً کودکان به طور دائم و مستمر امکان آموزش ندارند. بر این اساس علاوه بر موانع محیطی، نوع خاص امرار معاش و درگیری کودک از ماه‌های اولیه تولد در فرایند درآمدزایی، امکان بهره‌مندی از سواد را محدود می‌کند. بنابراین عملاً در دو سطح، مجموعه‌ای از علل سلبی مانع دستیابی کولی به آموزش می‌شود و این در حالی است که آموزش از منابع مهم جهت تغییر و بهبود شرایط زیست افراد در نظر گرفته می‌شود.

طرد اجتماعی به مثابه نفوذناپذیری و جدایی‌گزینی دوسویه

کولی‌های محله (ساکنین خانه‌های قدیمی یا آپارتمان‌های جدیدتر) در مواجهه با دیگری، حضور جمعی دارند. این مواجهه بسته به جنسیت کولی متفاوت است. به عبارت دیگر، زن کولی اگر می‌توانست دور از چشم صاحبخانه مصاحبه کند سعی می‌کرد به بیان مشکلات و دغدغه‌های خود پردازد و دیگری را به شرح روزمرگی‌های خود دعوت کند، اما در مصاحبه با مرد کولی مرزها نفوذناپذیرتر می‌شدند. به نظر می‌رسد جریانی از سلسله‌مراتب قدرت در حفظ مرزها اثرگذار باشد. صاحبخانه به دلیل انتفاع از وضعیت کولی، اجازه رفع انسداد را نمی‌داد. در این سلسله‌مراتب مرد کولی به دلیل بهره‌مندی از کار زن اجازه تغییر شرایط را نمی‌دهد و زن چنانچه در این جریان قدرت در پایین‌ترین سطح باشد، جهت تغییر شرایط به بیان مشکلات خود می‌پردازد. نفوذناپذیری موجب عدم تمایل سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در محله برای رفع مشکلات گروه‌های کولی شده است. به بیان کارشناس یکی از سمن‌های محله «وقتی به خونه کولی‌ها می‌ریم جمعیت زیادی آدم رو احاطه می‌کنن، همکارا می‌ترسن تنهایی سراغ اینا برن».

زیست جمعی در محله و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بالا نیاز به سرمایه‌های برون‌گروهی را مرتفع می‌کند؛ بنابراین امکان نفوذ غیرکولی به اجتماع کولی‌ها نیازمند پیش‌نیازهایی از جمله احترام و پذیرش سبک متفاوت فرهنگ کولی است. اهمیت تبادل در فرهنگ کولی ورود سایر افراد به جمع خودی را

مشروط به تبادل عاطفی، حمایت‌گرایانه و یا مادی می‌کند و فرد تائی^۱ به دلیل نداشتن این پیش‌نیازها عملاً امکان نفوذ به اجتماع کولی‌ها را نمی‌یابد؛ در نتیجه روند طرد دوجانبه در محله در مناسبات روزمره سایرین با کولی‌ها تقویت و بازتولید می‌شود.

رسمیت‌نیافتگی دوسویه

این مقوله سنخ‌های گوناگونی دارد که عبارت‌اند از مشکلات شهروندی از منظر حقوقی، بازی تسلط، احساس عدم تعلق و همسان‌انگاری که این موارد بازنمایی‌کننده دلایل شکل‌گیری و تقویت ناشهروندی کولی-هاست. کولی‌ها خود را یک قومیت می‌دانند و تمایل به حفظ فرهنگ و خصایص قومیتی خود دارند و حفظ زبان و تعاریف قومیتی از موفقیت، در اولویت زیست کولی قرار دارد. جوان ۲۱ساله (مرد و دستفروش) کولی چنین می‌گوید: «ما هم مث بقیه لرا، کردا، فارسا، یه قومیتیم، ما فرهنگ خودمون رو داریم. هرکی یه جوریه. مگه می‌گن چرا لرا این طوری حرف می‌زنن، این جوری لباس می‌پوشن؟ ما هم این طوری هستیم»، جوان ۳۰ساله کولی (مرد و فاقد شغل مشخص) می‌گوید: «توی خونه به زبون خودمون حرف می‌زنیم، ما زبان خودمون رو قبول داریم، ولی بقیه براشون عجیبه می‌گن این چه زبونی که حرف می‌زنید. این زبون ماست، مثل بقیه زبونا، بقیه زبونا رو مردم قبول کردند، ولی زبون ما رو نمی‌شناسن». زبان کولی نیز در کنار دیگر خرده‌فرهنگ‌های او از جانب دیگر اهالی اسرارآمیز و ناشناس است.

مشکلات شهروندی از منظر حقوقی با دیگر عناصر فرهنگ کولی تقویت می‌شود. کولی‌ها بازنمایی فرهنگی خاصی (با ارزیابی مثبت) در محله ندارند و برای سایر اهالی ناشناخته و دور از دسترس هستند. یکی از ساکنین (مرد و فاقد شغل مشخص) با اشاره به زنان کولی محله چنین می‌گوید: «این کولی‌ها هستن، اگر جرئت داری برو باهاشون حرف بزنی». مرد (۶۰ساله مغازه‌دار) اظهار می‌دارد: «ینا دین مشخصی ندارند، مسجد نمی‌آن، می‌گن برای ازدواج از جوی آب می‌پرن برای طلاق هم برعکس این کار رو انجام می‌دن». این عقاید و تصورات مشابه آن به دلیل عدم حضور کولی‌ها در روزهایی که محله، بازنمایی‌های مختلف دینی و فرهنگی خود را دارد تقویت می‌شود. زن کولی (۳۸ساله و دستفروش) در توصیف مراسم مذهبی مربوط به کولی‌ها می‌گوید: «ما هم تسبیح هستیم، دسته عزاداری داریم محرم می‌ریم روستا».

نداشتن شناسنامه و اوراق هویت از دیگر موضوعاتی است که زمینه‌انزوای هرچه بیشتر غربتی‌ها را فراهم می‌کند. آنها غالباً شناسنامه نداشته، ازدواج را به شکل رسمی ثبت نکرده و برای کودکان هم

۱ اصطلاحی که کولی‌ها برای غیرخودی به کار می‌برند.

شناسنامه دریافت نمی‌کنند. زن ۲۱ساله کولی (دستفروش) می‌گوید: «بهبزیستی بچه‌م رو گرفته بود، خب ما شناسنامه نداریم کارت ولادتش هم تو اسباب‌کشی‌ها گم شده بود، آزمایش گرفتن و پول آزمایش‌ها رو هم گرفتن، آخرش بچه رو پس دادن». غیررسمی بودن ازدواج و سهولت ترک آن، انجام ازدواج‌های متعدد را برای دختران و پسران کولی تسهیل می‌کند. اما از آنجایی که زنان کولی، به‌ویژه در سال‌های اولیه ازدواج در سنین پایین هستند، در سلسله‌مراتب قدرت جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان دارند و آسیب بیشتری از ناپایداری و غیررسمی بودن ازدواج می‌بینند. زن کولی (۲۸ساله و دستفروش) از غیبت ۱۰ساله همسرش می‌گوید: «۱۰ساله رفته دو تا کاسب دیگه گرفته، من و بچه‌هام اینجاییم». نداشتن شناسنامه موجب عدم دسترسی این قشر آسیب‌دیده به حمایت‌های قانونی و اجتماعی از جمله بیمه، یارانه، حق تحصیل، مساعدت‌ها، حقوق سیاسی و حضور در انتخابات شده است. انگیزه برای داشتن شناسنامه با طرح هدفمندی یارانه‌ها موجب تمایل کولی‌های محله برای کسب شناسنامه شده است، اما موانع اداری و ناآگاهی از فرایندهای موجود منجر به ناموفق بودن این تکاپو شده است.

منظور از بازی تسلط آن است که زیست روزانه کولی‌های محله با نوعی بازی سلطه آغاز می‌شود که در این بازی سن و جنسیت تعیین‌کننده‌اند. کودک کولی در جریان روابط قدرت در محله به دلایل چندگانه‌ای همچون ناشناختگی زبان، محرومیت از پوشش بهنجار و سبک زندگی جمعی اغلب مورد تسلط گروه‌های قدرتمند محله قرار می‌گیرد. چنان‌که پیش‌تر مطرح شد این محرومیت امکان ورود به فضای آموزشی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. کودک کولی در سال‌های ابتدایی زندگی، از جانب دیگر گروه‌ها در هنگام فراغت و کار مورد قضاوت منفی قرار می‌گیرد. قضاوت‌هایی که از میان القاب و کشمکش‌های روزانه دیگر کودکان با کولی‌های محله قابل دریافت است. درواقع جریانی از مقایسه میان سبک زندگی و نوع خانواده میان کولی‌ها و غیرکولی در محله وجود دارد که کودک در این قیاس، بازنده است. به تعبیر یکی از ساکنین (مرد ۴۷ساله و فروشنده) «لرا و کردا غیرت دارن، ولی توی اینا معلوم نیست پدر و مادر بچه کیه، همگی تو به خونه زندگی می‌کنن». در این بازی تسلط، کولی‌های جدید محله به نوعی بلاگردان^۱ هستند که ضمن بی‌قدرتی در فرایند کسب منابع و پیش‌نیازها برای جذب در فضای بهنجار جامعه، مسبب آسیب‌های موجود و وضعیت کلی محله در نظر گرفته می‌شوند. به تعبیر یکی از ساکنین (مرد ۱۹ساله و فروشنده) «دروازه غار با بقیه جاها فرق می‌کنه، اینجا غربتیه که همه کار می‌کنه، اینا مثل... زندگی می‌کنن، برا همین درست نمی‌شه».

در رابطه با مقوله احساس عدم تعلق باید گفت: کولی‌ها خود را ساکن محله نمی‌دانند و تهران تنها جایگاه کار و درآمدزایی است. زن کولی (۳۴ساله فروشنده مترو) در پاسخ به این سؤال که چرا در شمال

1 Scapegoat

گروه قومی فاقد قدرت که مورد دشمنی واقع شده و بسیاری از صفات رفتاری ناپسند به آنها نسبت داده می‌شود.

کار نمی‌کند، می‌گوید: «شمال کار نیست مگه چند تا چهارراه داره، مترو نیست، ولی اینجا کار زیاده». کولی‌های محله، موطن اصلی خود را شهرهای شمالی می‌دانند و تهران تنها محل کسب درآمد است. درواقع محله جایگاه اقامت ارزان و متناسب با سبک زندگی آنهاست.

برنامه‌های فرهنگی و بهداشتی محله تفاوت کولی‌ها را از منظر آگاهی به فضا و میزان شناسایی نیازها نادیده گرفته‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد آگاهی‌های اولیه دربارهٔ مواردی همچون واکسیناسیون نزد یک زن کولی شکل نگرفته است. به بیان یکی از کارشناسان: «مادر در مورد واکسیناسیون بچه اطلاعی نداره و یا مراقبت‌های کودک را نمی‌دونه، مددکار کودک را به مرکز بهداشت می‌بره». پزشک درمانگاه دربارهٔ وضعیت سلامت کولی‌ها محل می‌گوید: «کولی‌ها آگاهی بهداشتی پایینی دارن، بعضی از نظر مالی وضعیت خوبی دارن، ولی زن‌ها در هر شرایطی کار می‌کنن. چه وضعشون خوب باشه یا نباشه، به مریضی حساسن و وقتی مریض می‌شن مراجعه می‌کنن، اما در کل نمی‌دونن که بچه باید واکسن بزنه یا مراجعه برای کنترل سلامت بچه ندارن».

حاشیه‌ای شدن اقتصادی

در فرهنگ غربت، خانواده معنای اقتصادی پررنگی دارد و فرزندان نیز در تأمین معاش نقش فعالی دارند. کولی‌های محله معتقدند «بچه باید کاسبی کنه و خرجش رو دربیاره». زمانی که از کولی‌های بزرگسال در مورد صرف درآمدهای دوران کودکی‌شان سؤال شد، این پاسخ به دست آمد که در بیشتر موارد کودک این درآمدها را صرف مخارج روزانه خود همچون خریدها و یا تفریحات کودکانه می‌کند و بخشی را به بزرگسال می‌دهد. زن کولی (۱۷ساله و دستفروش) دربارهٔ صرف درآمد در دوران کودکی چنین می‌گوید: «ها کار می‌کردیم بعد با دختر خاله‌ها خرید می‌کردیم خوراکی‌ای که دوست داشتیم می‌خریدیم، بعد با هم تقسیم می‌کردیم». گرچه اغلب این کودکان نقش اقتصادی فعالی در امور منزل دارند، در طایفه‌ها و شهرهای مختلف این وضعیت متفاوت است. درواقع زیست کودکی به رغم اهمیت کار کودک در تأمین مخارج، در همهٔ طایفه‌ها یکسان نیست و لزوماً همهٔ کودکان غربت نقش اقتصادی فعال برای خانواده خود ندارند. برخی صرفاً به اصطلاح «پول توجیبی» خود را از این طریق کسب می‌کنند. این کودکان در مکان‌های اطراف محله مانند پارک‌ها و محل تردد افراد غیرغربت جهت تأمین مخارج کودکانه خود، از دیگری طلب پول می‌کنند؛ برای نمونه، در پارک‌های اطراف محله و شهرسازی، کودکان کولی هزینهٔ استفاده از ابزارهای بازی را اغلب از مادران غیرکولی حاضر در پارک طلب می‌کنند. باید گفت استقلال کودک در تأمین مخارج خود از ارزش‌های مثبت در تربیت کودک کولی تلقی می‌شود.

نوع مشاغل نیز میان طایفه‌ها و غربت‌های شهرهای مختلف متفاوت است؛ به طوری که زنان اهل ساری بیشتر در حوزه کشاورزی فعالیت می‌کنند و زنان مناطق دیگر به خرده‌فروشی مانند گل-فروشی، دستمال‌فروشی، سیخ‌فروشی و اسفند دودکنی مشغول‌اند. محل فروش نیز در چهارراه‌های مختلف شهر و درون واگن‌های مترو متفاوت است؛ بدین معنی که هریک از این مکان‌ها بیشتر متعلق به یک طایفه کولی است.

مردان خانواده‌های کولی نقش مدیریت نقدینگی و مدیریت نیروی کار را بر عهده دارند؛ به طوری که خانواده‌هایی که مردان آنها در محله حضور دارند، در ساعاتی از روز زنان و کودکان را به عنوان نیروی کار در چهارراه‌ها پیاده می‌کنند و در ساعت‌های معینی جهت جمع‌آوری نیروهای کار به محل می‌روند. بدین ترتیب، زنان و کودکان در نقش «کاسب» فعالیت درآمدزایی را انجام می‌دهند و شیوه مصرف این درآمد در اختیار مردان است. حضور مردان در فضای خانگی و در مقابل، حضور زنان در فضای عمومی تصورات منفی دیگری درباره کولی‌ها ایجاد کرده است. این جمله در بسیاری از مصاحبه‌ها از سوی اهالی تکرار می‌شود که: «بنا مردهاشون کار نمی‌کنن. زن باید کار کنه و مرد فقط خرج می‌کنه. مردهاشون مواظب بچه‌ها هستن تا زن از سر کار بیاد. آشپزی می‌کنن یا تو قهوه‌خانه‌ها می‌چرخن تا زن و بچه از سر کار بیاین، حتی شنیدم به زنش می‌گه باید این قدر تا شب کار کنی، اگه پول رو نیاره کتک می‌خوره».

طرد اجتماعی کولی‌ها در طول سال‌ها زندگی در محله و عدم شکل‌گیری فرایند جذب اجتماعی، موجب شده عملاً کولی‌ها راهی برای ورود به اقتصاد رسمی نداشته باشند. از سوی دیگر، نبود اوراق هویت و طی نکردن دوره سربازی موجب شده تا مردان کولی فرصتی برای کسب شغل رسمی نداشته باشند. فرهنگ لذت‌جویانه هم در این میان مزید بر علت شده است. تحت چنین شرایطی و به واسطه سکونت در بخش‌های جرم‌خیز محله، آن‌ها به سمت اشتغال در حوزه اقتصاد جنایی سوق یافته‌اند. همچنین تکدی‌گری که یکی از آشکارترین نمادهای طرد اجتماعی در دوران مدرن است (بنیاد جوزف رونتری، ۲۰۰۰؛ به نقل از حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۶: ۲۹) به شیوه غالب ارتزاق آنان درآمده است و زنان به دلیل موفقیت بیشتر در این زمینه بیشتر پذیرفته شده‌اند. مهارت‌های مردان همچون مهارت در نواختن ساز به اندازه فعالیت درآمدزایی زنان موفق نبوده و در نتیجه، این شکل خانواده مرتب بازتولید می‌شود. به بیان مرد کولی (۲۴ساله و نوازنده) «من ساز می‌زنم از پدرم یاد گرفتم. اونم تو عروسی‌ها می‌زد. اگر عروسی باشه می‌رم، ولی خب الان کسی سازهای ما رو گوش نمی‌ده. کسی پول به خاطرش نمی‌ده، ولی خانمم که تو مترو کار می‌کنه، بهتر پول درمی‌اره منم بچه رو نگه می‌دارم».

ساختار اقتصادی متفاوت موجب بازتعریف شغل و کارکرد آن نزد کولی‌ها شده است. مرد ۲۰ ساله کولی و صاحب دو فرزند چنین می‌گوید: «من سر چهارراه آب‌معدنی می‌فروشم و خانمم هم در مترو

فروشنده لوازم آرایشیه. زندگی ما با شماها فرق می‌کنه شما خیلی کم مسافرت می‌رین سالی شاید یه بار برین سفر، ما اهل تفریح هستیم و یه جور دیگه زندگی می‌کنیم، حتی اگر به من یه مغازه هم بدن که کار کنم نمی‌تونم همه سال سرکار باشم. بعضی هفته‌ها دستفروشی می‌کنم و بعد خرج عشق و حال می‌کنیم. نه اینکه همه رو خرج کنم. زمین خریدم، ماشین خریدم و دارم قسط می‌دم، ولی اینکه یکجا کار کنم برام خیلی سخته به دستفروشی عادت کردیم. این جوری کارمون دست خودمونه».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی علل طرد اجتماعی کولی‌ها و موانع بازپیوند اجتماعی کولی‌های محله هردی انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کولی‌های محله به دلایل متعددی مورد طرد قرار گرفته‌اند. این عوامل که فرایند حضور و کنش فعالانه کولی‌ها در محله را با اختلال مواجه می‌کند از بُعد فردی و ساختاری قابل طبقه‌بندی است. از منظر فردی چنان‌که مطالعه پروین و درویشی‌فرد (۱۳۹۴) هم نشان می‌دهد هیجان‌خواهی، لذت‌جویی و فقدان علاقه به کار مستمر، موجب عدم تمایل به حضور در فعالیت‌هایی شده است که نیازمند کار مستمر و پیگیر است. کولی‌های محله صدایی چه در قالب کنش نهادمند و یا کنش جمعی غیررسمی ندارند. سمن‌های فعال در محله کمتر موفق به جذب کولی‌ها در فرایند مهارت‌آموزی شده‌اند. کولی‌ها از محرومیت‌های بهداشتی، آموزشی و مهارتی رنج می‌برند. در حالی که چنان‌که چارچوب استراتژی ادغام رماها نشان می‌دهد این سه حوزه سهم مهمی در بهبود وضعیت کولی‌ها دارند. همچنین کولی‌ها به دلیل فقدان اوراق هویت از حمایت‌های حداقلی چون دریافت یارانه محروم مانده‌اند؛ بنابراین عملاً کولی‌های محله، امکان چانه‌زنی مؤثر هم به دلیل فقدان یک چارچوب نهادی حمایت‌کننده و هم فقدان اوراق هویتی، برای تغییر شرایط را نمی‌یابند.

این مطالعه نشان می‌دهد طرد اجتماعی کولی‌ها به علت برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی و ساختاری است که با ساخت کنونی سیاست‌گذاری‌ها بازتولید و تقویت می‌شود. به تعبیر بوچارت، فردی به لحاظ اجتماعی مطرود است که به لحاظ جغرافیایی مقیم در یک جامعه باشد و در فعالیت‌های روزمره و متعارف شهروندان آن جامعه مشارکت نداشته باشد (بوچارت و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از خواجه صالحانی و آزاده: ۱۳۹۴). کولی‌ها به رغم حضور طولانی‌مدت در جغرافیای محله، امکان ورود به مناسبات بهنجار محله را نیافته‌اند. آنها الزامات اولیه جهت ورود به فضای رسمی را ندارند و به دلیل فقدان صدایی نهادی، مطالبات شنیده‌شده‌ای در حوزه سیاست‌گذاری ندارند. این وضعیت در میان کولی‌ها در دیگر کشورها نیز وجود دارد که سیاست‌گذاری اجتماعی روش‌های مختلفی را برای رفع آن پیشنهاد می‌دهد؛ برای مثال

چنان‌که مطالعه استانکوفسکی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) درباره رُماها در شرق اروپا نشان می‌دهد، یکی از دلایل عدم ورود کولی‌ها به مناسبات فضای رسمی، فقدان مهارت و ظرفیت برای حضور در فرایند توسعه است که از طریق کارآفرینی اجتماعی و در قالب مهارت‌های رسمی و غیررسمی این نقیصه تاحدی قابل رفع است. این مطالعه نیز نشان می‌دهد که کولی‌های محله علاوه بر اوراق هویتی، ابزارهای رسمی و غیررسمی برای ورود به زیست بهنجار را نداشته‌اند.

کولی‌ها در سه سطح طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند؛ در سطح فردی و با خرده‌فرهنگی که به‌عنوان خرده‌فرهنگ زیرطبقه در نظر گرفته می‌شود همزیستی مسالمت‌آمیزی را برگزیده‌اند. این همزیستی موجب جدایی‌گزینی دوجانبه از جانب گروه‌های کولی و غیرکولی شده است که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را به ضرر سرمایه اجتماعی برون‌گروهی کاسته و میزان احساس تعلق به محله را تحت تأثیر قرار داده است و بر شکل‌گیری پیوندهای ضعیف با سایر گروه‌ها به منظور ادغام در محله تأثیرگذار بوده است. در این سطح از آنجایی که زنان کولی حضور کمتری در فضاهای جمعی محله همچون قهوه‌خانه‌ها دارند، تعاملات برون‌گروهی کمتری نسبت به مردان دارند. در سطح ساختاری موانع رسمی و غیررسمی، ادغام و مشارکت کولی در سطح محله را مانع می‌شوند. این موانع برای زنان و مردان کولی وجود دارد و هردو با موانع حقوقی جهت ورود به اشتغال رسمی و ساختارهای بهنجار شغلی مواجه هستند. چنان‌که مطالعه صبور (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد کولی‌ها از منظر تسلط و سلامت تنها گروهی هستند که در پایین‌ترین سطح در نظر گرفته می‌شوند.

کولی‌های محله از کودکی با محرومیت از پوشاک و مواد مغذی مناسب و مراقبت‌های بهداشتی اولیه چون واکسیناسیون در جریان جداماندگی تثبیت می‌شوند. همچنین اقامت‌های کوتاه‌مدت و فقدان مسکن مناسب، آنان را از بهره‌مندی از تسهیلات رسمی محروم می‌کند. مطالعه دوسوتو^۲ و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد مهم‌ترین دلایل طرد اجتماعی کولی‌ها محرومیت آنها در دریافت غذا، پوشاک و مسکن است که نگرانی‌های عاطفی ناشی از جداماندگی از زندگی اجتماعی و اقتصادی بر آن می‌افزاید.

به رغم حضور طولانی کولی‌ها در محله هرندی هنوز مردم محله آنها را ایرانی نمی‌دانند. درواقع منطبق با ادبیات طرد اجتماعی، مفهوم غیرسازی یا دیگری‌سازی هم از جانب ساکنان غیرغربت محله و هم از جانب غربت‌ها تولید و حفظ می‌شود. درواقع فرایند ساخت دیگری در محله فرایندی چندسویه است که از طریق غربت‌ها، غیرغربت‌ها و سایر نهادهای حاضر در محله تولید و حفظ می‌شود. تفاوت‌های برجسته و مرزهای نفوذناپذیری در این میان پررنگ‌تر می‌شود.

درباره فهم و پنداشت جمعیت غیرکولی محله از کولی‌ها، تصورات قالبی به تمامی اهالی غربت محله تعمیم داده می‌شود. این تصورات قالبی حوزه دین و مذهب، آداب و رسوم، شیوه ازدواج، روابط خانوادگی و حتی روابط شخصی‌شان را دربر می‌گیرد. به عبارتی غیرسازی تعمیم‌یافته در کلیه شئون زندگی کولی‌ها، پیش‌فرض غالب ساکنین غیرکولی است. با این پیش‌فرض هرگونه تعامل با کولی از کودکی منع می‌شود. جریان انسداد اجتماعی با رسمیت‌نیافتگی و محرومیت از اوراق و اسناد هویتی تداوم می‌یابد.

اهالی غربت، به‌ویژه جوانان به سوادآموزی و کسب مهارت تمایل نشان می‌دهند، اما شیوه زیست آنها به گونه‌ای است که عملاً فرصتی برای آموزش دیدن نمی‌یابند. این محرومیت برای هر دو جنس وجود دارد و ازدواج در کودکی و نوجوانی و فرزندآوری‌های مکرر بر تداوم عدم امکان سوادآموزی و مهارت‌آموزی می‌افزاید. به بیان آمارتیاسن^۱ فرد قابلیت تغییر شرایط و آزادی داشتن انتخابی بهتر را نیافته و در چرخه ترک تحصیل، عدم کسب مهارت و نبود امکان تغییر وضعیت قرار گرفته است.

نوع اشتغال زنانه و در مقابل ویژگی مصرف‌کنندگی مردان در خانواده‌های کولی موجب تشدید فاصله کدهای رفتاری آنها با ارزش‌های محله شده است و در بازتولید طرد اجتماعی کولیان نقش اساسی دارد. یادگیری فرایند هادوری توسط کودکان جهت تأمین مایحتاج خودشان از این ذهنیت بزرگسالان ناشی می‌شود که کودک باید خرج خود را بدهد؛ بنابراین بدون اصلاح این ذهنیت کولی بزرگسال، نمی‌توان مداخله‌ای مثبت در جهت کاهش فعالیت کودکان کار داشت. مطالعه اسفاری (۱۳۹۴) نیز اهمیت هادوری در فرهنگ کولی را نشان می‌دهد.

مناسبت‌های فرهنگی همواره مأمّن قابل اتکایی برای شکل‌گیری تعاملات مثبت و دوری از تصورات قالبی منفی میان خرده‌فرهنگ‌هاست. اما با توجه به رجعت کولی‌ها به موطن اصلی خود جهت برگزاری مراسم‌ها، هیچ فضایی برای ابراز وجود و نمایان کردن جلوه‌های فرهنگی آداب و رسوم کولی‌ها در این سال‌ها در محله هرنندی فراهم نشده است. در نتیجه این شرایط، جدایی‌گزینی غربت‌ها از دیگر اهالی محل روزبه‌روز تقویت شده است. تحت این شرایط، طرد اجتماعی سنگینی نسبت به جامعه کولی در محله هرنندی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد سیاست غالب فرهنگی، مبتنی بر گروه‌های مسلط و همانندسازی بوده است؛ در حالی که مطالعات در دیگر کشورها نیز نشان می‌دهد سیاست‌های فرهنگی تکثرگرا و به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگ کولی، می‌تواند در ایجاد پیوند اجتماعی میان جامعه کولی‌ها و سایر فرهنگ‌ها اثرگذار باشد.

از آنجایی که زیست کولی بر تبادل استوار است، ورود به جمعیت کولی‌ها نیازمند یک فرایند تبادل-محور است. گام نخست در این فرایند، بازاندیشی در سیاست فرهنگی محله و به رسمیت شناختن هویت

جمعی کولی‌ها و به رسمیت شناختن مهارت‌ها و توانمندی‌های آنهاست. گام دوم، رفع موانع شهروندی از جمله فقدان اوراق هویت و روند حمایتی و آگاهی‌بخش در این زمینه است. گام سوم، دخیل ساختن مردان کولی در روندهای مهارت‌آموزی از طریق روش‌های تبادل محور است. باید توجه داشت، انجام این گام‌ها بدون اعتمادسازی و ایجاد صدای جمعی کولی‌ها ممکن نخواهد بود.

منابع

- اداره کل تحقیق و توسعه شهرداری تهران (۱۳۸۸). برنامه توسعه محله هرنندی منطقه ۱۲. مجری: مؤسسه پژوهشی توسعه دانش سلامت.
- اسفاری، میترا (۱۳۹۴). پویایی هویتی غربت‌ها، مطالعه اتنوگرافیک هادوری در چهارراه‌های تهران. مجله انسان‌شناسی، ۱۳(۲۲): ۱۱-۳۷.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۷). کولی‌ها، پژوهشی در زمینه زندگی کولیان ایران و جهان. تهران: روزنه.
- بلیک‌مور، کن (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی. ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران: جامعه‌شناسان.
- پروین، ستار و درویشی‌فرد، علی‌اصغر (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرنندی). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۶(۲۳): ۵۱-۸۹.
- حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۶). رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان. مسائل اجتماعی ایران. ۸(۲): ۲۹-۵۴.
- خواجه صالحانی، افسانه و اعظم آزاده، منصوره (۱۳۹۴). تشخیص محله و احساس طرد اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر پاکدشت. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۹): ۹۱-۱۲۰.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۱). توسعه یعنی آزادی. ترجمه محمد سعید نوری نائینی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- شهرداری تهران (با همکاری مهندسان مشاور شهرساز و معمار) (۱۳۹۰). گزارش مرحله اول طرح توسعه و سامان‌دهی فضای شهری محله هرنندی واقع در ناحیه ۴.
- شهرداری تهران (با همکاری مهندسان مشاور شهرساز و معمار) (۱۳۹۰). طرح توسعه و سامان‌دهی فضای شهری محله هرنندی واقع در ناحیه ۴.
- شهرداری تهران، شهرداری منطقه ۱۲ (۱۳۹۴). طرح ارتقای کیفیت زندگی در مرکز تاریخی تهران: محله هرنندی.
- صفی‌خانی، ثمره؛ موسوی، سید یعقوب و رجب‌لو، قنبرعلی (۱۳۹۵). هویت در آستانه کولی‌های ساکن در تهران. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، ۹(۳): ۱-۲۹.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۹). چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه طرد اجتماعی. برنامه رفاه و توسعه اجتماعی، ۱(۴): ۳۵-۶۶.

- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴). شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی. *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، (۴): ۱۷-۳۳-۵۵.
- فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت*. تهران: جامعه‌شناسان.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۲۰۰۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان، ویراست ۴، تهران: نی.
- نامنی، ابراهیم؛ نامنی، روح‌الله و غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۷). بررسی تأثیر طرد اجتماعی غربت‌ها بر احساس امنیت اجتماعی ساکنین شهر سبزوار. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۳: ۳۳-۶۲.
- نواح، عبدالرضا و حیدری، خیری (۱۳۹۴). بررسی هویت قومی و تأثیر آن بر احساس طرد اجتماعی (مورد مطالعه: عرب‌های شهر اهواز). *فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، (۵): ۵۹-۸۴.
- Donald, K.R. (2007). *Historical dictionary of the gypsy's*. second edition, The Scarecrow Press.
- Herminie G.De, Sabine B., Ilir. G. (2005). *Roma and Egyptians in Albania, From Social Exclusion to Social Inclusion*. the World Bank. Washington, D.C.
- Ivana, S., Bojan, J., Radmil, P., Trajce, V., Momir, P.(2018). *Tacking the Roma social exclusion and, aginalisation witg social entrepreneurship*. South East European University Faculty of Business and Economics. 2nd international scientific conference on business and economics.
- Madison, D. S. (2012). *Critical Ethnography, Method, Ethics and Performance*. Los Angeles& London& New Dehli& Singapore& Washington DC: Sage.
- Niall, C., Angela, G., Silvia, S. (2013). *Empowerment of roma women within the European framework of national roma inclusion strategies*. Policy Department citizens' rights and constitutional affairs, online at: <http://www.europarl.europa.eu/studies>.
- Ozatesler, G. (2014). *Gypsy Stigma and Exclusion in Turkey, 1970, Social Dynamics of Exclusionary Violence*. palgrave macmillan.
- Pauline, L., Adrian, J.(2014). *Gypsy, Traveller and Roma: Experts by Experience* . reviewing UK Progress on the European Union Framework for National Roma Integration strategies ,Anglia Ruskin University.
- Sidanius, J. Petrocik, J. (2000). *Ethnicity and national identity: a comparison of three perspectives*. Paper presented at the conference rethinking democracy in the new millennium. Houston, Texas.